Archive of SID.ir

Iran Futures Studies
Print ISSN: 6365-2423
Online ISSN: 2676-6183

Drawing Alternative Futures of Social Capital from the Perspective of Jurisprudential Rules (Case Study: Jurisprudential Rules of Pride, Cooperation, Kindness)

Maryam Bidkham
PhD Student in Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, Department of Jurisprudence and Legal, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran, maryam.bidkham@gmail.com
Seyyed Mohammad Mahdi Ahmadi*
Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran, smm.ahmadi@gmail.com
Ahmad Moradkhani
Associate Professor, Islamic Jurisprudence and Foundations of Islamic Law,, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran, ah_moradkhani@qom-iau.ac.ir

Abstract

Purpose: culture is one of the most important social and economic elements. Abstract jurisprudence as a part of religious culture, if properly recognized and implemented in the social arena, can be the source of unique impacts in the present and future as well as ensure the health of the community. The aim of this study is to explain and elaborate the link and relationship between the juridical rules (pride, cooperation, and kindness) and social capital indices (trust, participation and social cohesion).

Method: This paper is one of qualitative research that has been conducted in documentary style with the study of jurisprudence in jurisprudence literature as well as texts associated with the concept of social capital.

Findings: The results indicate that there is no social behavior formed in a vacuum. Therefore, the behavior of man is always affected by insights and attitudes that people believe. The jurisprudence rules, which are rooted in the teachings of religion, have witnessed great power in the increase of indigenous social capital which can facilitate and accelerate the growth of the capital.

Conclusion: Islamic rules emanating from Islamic teachings are meta- temporal and meta-spatial teachings that observing and implementing them in different space of individual and social life leads to consistency and accumulation of social capital. It can be said that in many jurisprudence rules without explicitly mentioning social capital, examples, content and provisions can be found to emphasize this.

Keywords: Jurisprudence, Social Capital, Rule of Pride, Rule of Cooperation, Rule of Kindness.

Cite this article: Bidkhamm, Ahmadi & Moradkhani(2022), Drawing Alternative Futures of Social Capital from the Perspective of Jurisprudential Rules (Case Study: Jurisprudential Rules of Pride, Cooperation, Kindness) Semiannual Journal of Iran Futures Studies, Research Article, Vol.6, NO.2, Fall & Winter 2022, 111-135
DOI: 10.30479/jfs.2021.15671.1299
Received on 11 June, 2021 **Accepted on** 27 November, 2021
Copyright© 2022, The Author(s).
Publisher: Imam Khomeini International University
Corresponding Author: Seyyed Mohammad Mahdi Ahmadi
E-mail: smm.ahmadi@gmail.com

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

آینده پژوهی ایران
شاپا چاپی: ۲۴۲۳-۶۳۶۵
شاپا الکترونیکی: ۶۱۸۳-۲۶۷۶

ترسیم آینده‌های بدیل سرمایه اجتماعی از منظر قواعد فقهی (موردمطالعه: قواعد فقهی غرور، تعاون، احسان)

مریم بیدخام
دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی ، واحد قم ، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران، maryam.bidkham@gmail.com
سید محمد مهدی احمدی*
استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران(نویسنده مسئول)smm.ahmadi@gmail.com
احمد مرادخانی
دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران، ah_moradkhani@qom-iau.ac.ir

چکیده

هدف: فرهنگ، ازجمله پیشران‌های عناصر اجتماعی و اقتصادی است. فقه به‌عنوان یک بخش از فرهنگ دینی، اگر به درستی شناخته و در عرصه‌های اجتماعی عملیاتی گردد، می‌تواند هم‌اکنون و در آینده منشأ اثرات بی‌بدیلی باشد که سلامت جامعه را تضمین نماید. هدف این پژوهش آن است که پیوند و ارتباط میان قواعد فقهی (غرور، تعاون، احسان) و شاخص‌های سرمایه اجتماعی؛ شامل اعتماد، مشارکت و انسجام اجتماعی را تشریح و تبیین نماید.

روش: این مقاله در زمره پژوهش‌های کیفی است که به شیوه اسنادی، با مطالعه و غور در متون فقهی و همچنین متون مرتبط با مفهوم سرمایه اجتماعی انجام پذیرفته است.

یافته‌ها: نتایج حاصل حاکی از آن است که هیچ رفتار اجتماعی نیست که در خلأ شکل گرفته باشد؛ لذا رفتار آدمی همواره متأثر از بینش‌ها و نگرش‌هایی است که افراد معتقد به آن هستند. قواعد فقهی نامبرده که خود ریشه در تعالیم دین مبین اسلام دارند، نیرویی عظیم در افزایش سرمایه اجتماعی بومی قلمداد گردیده که می‌توانند زمینه تسهیل و تسریع رشد این سرمایه را شتاب بخشند.

نتیجه‌گیری: قواعد فقهی، منبعث از آموزه‌های اسلامی فرازمانی و فرامکانی بوده که مراعات و کاربست آن‌ها در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی، منجر به قوام و انباشت سرمایه اجتماعی خواهد شد؛ به‌طوری که می‌توان گفت در بسیاری از قواعد فقهی، بدون آن که به‌طور صریح از سرمایه اجتماعی نام برده شود، مصادیق، مضامین و مفاد فراوانی را می‌توان یافت که به این امر تأکید دارد.

واژگان کلیدی: فقه، سرمایه اجتماعی، قاعده غرور، قاعده تعاون، قاعده احسان.

---

* استناد: بیدخام، احمدی و مرادخانی(۱۴۰۰)، ترسیم آینده‌های بدیل سرمایه اجتماعی از منظر قواعد فقهی (موردمطالعه: قواعد فقهی غرور، تعاون، احسان) دو فصلنامه علمی آینده پژوهی ایران، مقاله پژوهشی، دوره ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ۱۱۱-۱۳۵.
تاریخ دریافت مقاله:۱۴۰۰/۰۳/۲۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶
ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱– مقدمه

سرمایه اجتماعی، همان چیزی است که تام ولف (۱۹۸۹–۱۹۱۰) در رمان «آتش غرور»، بانک لطف نامیده است یا مفهومی است که آلبرت هرشمن (۲۰۱۲–۱۹۱۵)، فیلسوف علوم اجتماعی در «هواهای نفسانی و منافع» منبع اخلاقی می‌نامد؛ یعنی منبعی که برخلاف سرمایه فیزیکی به‌تبع استفاده افزایش می‌یابد، نه نقصان و در صورت مورد استفاده قرار نگرفتن نابود می‌شود(تاجبخش، ۱۳۸۴: ۹۸ – ۹۹). سرمایه اجتماعی را می‌توان در منابعِ قابل دسترسی؛ نظیر اطلاعات، اندیشه‌ها، راهنمایی‌ها، فرصت‌های کسب و کار، سرمایه مالی، قدرت و نفوذ، پشتیبانی احساسی، خیرخواهی، اعتماد، همکاری و مؤلفه‌هایی از این قبیل جستجو کرد.

به‌عبارت دیگر کلمه «اجتماعی»، به‌عنوان سرمایه اجتماعی دلالت می‌کند که این منابع دارایی‌های شخصی محسوب نمی‌شوند و هیچ فردی به تنهایی مالک آن‌ها نیست، بلکه این منابع در دل شبکه روابط قرار گرفته‌اند (کلمن؛ ۱۹۹۰، ۳۰۰). علاوه بر آن سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای از هنجارهای مطلوب و مثبت است که اعضای یک اجتماع در آن سهیم‌اند. هنجارهایی نظیر احسان و نیکوکاری، حسن خلق، صداقت، وفای به عهد، اعتماد متقابل و دیگر مؤلفه‌هایی که مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های اخلاقی را تشکیل می‌دهند. مفهوم سرمایه، حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی همانند سایر سرمایه‌های انسانی، اقتصادی و فرهنگی ماهیتی زاینده و مولّد دارد؛ یعنی ما را قادر می‌سازد، ارزش ایجاد کنیم و کارها را به نحو شایسته‌ای انجام دهیم. برای رسیدن به اهدافمان تلاش کنیم و مأموریت‌هایمان را در زندگی به اتمام برسانیم؛ لذا می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی یک ویژگی ذاتی نیست، بلکه پدیده‌ای برخاسته از تجارب فرهنگی و اجتماعی مردم است که همواره در معرض تفسیر قرار دارد.

درواقع تقویت سرمایه اجتماعی، مستلزم وجود عواملی است که به روابط، تعاملات، ارزشها، هنجارها و اعتماد اجتماعی مربوط می‌شود که در مجموعه آموزه‌های اسلامی، شاهد چنین مولّفه‌هایی هستیم؛ زیرا تعالیم اسلامی به‌عنوان ارزشی متعالی با کارکردهایی چون صداقت-محوری، انسجام‌بخشی، اعتمادسازی، عفو و بخشش، تعاون و همیاری و ... ساز و کارهایی را فراهم می‌آورد که منجر به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی شده و پایه‌های تحکیم توسعه را فراهم می‌آورد. این مولّفه‌ها که مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های اخلاقی را شکل می‌دهد، جهت-گیری کنش‌ها را در روابط بین فردی و جمعی اعضای جامعه فراهم می‌آورد.

گفتنی است، علی‌رغم دشواری پژوهش در این حوزه، به دلیل محدود بودن پژوهش‌های انجام شده، در این باره تلاش خواهد شد تا بهبود سرمایه اجتماعی از منظر تأثیر تعالیم اسلامی و با تأکید بر قواعد فقهی مذکور مورد بررسی قرار گرفته شود تا نتایج مطلوبی حاصل آید.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱-۱. بیان مسأله

دین، این قدرت را دارد که به‌طور محسوس و یا نامحسوس، روابط و هنجارهای اجتماعی قوی مبتنی بر نفع فردی و جمعی همراه با نگاه عقلایی، خیرخواهی، اعتماد در روابط، عدالت-محوری و جز آن را بر اساس رویکرد الهی و توحیدی برای زندگی دنیوی و اخروی جوامع انسانی تضمین نماید. البته باید توجه داشت، مفهوم سرمایه اجتماعی در تفکرات غربی و دور از مفاهیم توحیدی ریشه دارد و در آنجا رشد و نمو پیدا کرده است؛ حال آن که دستگاه و پیکره دینی مبتنی بر عناصر توحیدی است (ردادی، ۱۳۸۷: ۱۱). علاوه بر آن، در میان مؤلفه‌هایی که در جامعه دینی، سرمایه اجتماعی را ایجاد و یا آن را بهبود می بخشد، فقه اسلامی اهمیت بسزایی دارد که این امر موجب غفلت واقع شده است. بنابراین، دغدغه اصلی پژوهش حاضر، از یک طرف بسط مفهوم سرمایه اجتماعی و از سوی دیگر، بررسی نقش قواعد فقهی (غرور، احسان، تعاون) در تقویت سرمایه اجتماعی است.

به نظر می‌رسد، برای تبیین چگونگی ارتقای سرمایه اجتماعی بر مبنای گزاره‌های تعالیم اسلامی و قواعد فقهی، باید به این سؤالات فرعی پاسخ داده شود:

الف) آیا قاعده غرور می‌تواند نقش پیشران در افزایش صداقت‌محوری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی ایفا نماید؟

ب) قاعده تعاون به‌عنوان یکی از قواعد فقهی، چگونه می‌تواند منجر به افزایش مشارکت اجتماعی شود؟

ج) قاعده احسان به‌عنوان یکی از قواعد فقهی، چگونه می‌تواند به پیشگام شدن افراد در امور خیر منجر شود؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

ارسلان مقدم، زینب (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «**مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در سیره نبوی**» می‌نویسد: در رابطه با تأثیر دین بر سرمایه اجتماعی می‌توان گفت: یکی از کارکردهای مهم دین در طول تاریخ حیات خود در ساحت اجتماعی، ایجاد، حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی بوده است؛ زیرا بسیاری از قواعد، دستورها و اصول اسلامی در کنار کارکردهای گسترده‌ای که دارند، اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی را به ارمغان می‌آورند. بنابراین دین از راه‌های گوناگون، تأثیر مهمی بر روی عناصر سازندهی مولّفه‌های سرمایه اجتماعی گذاشته و می‌گذارد. از آنجا که بیشتر آموزه‌های مؤثر در ایجاد سرمایه اجتماعی منحصر به دین هستند، هیچ پدیده دیگری نمی‌تواند در این جهت، بدیل دین قرار بگیرد و کارکرد و نقش دین را در این زمینه ایفا نماید. بنابراین هرچه ارزش‌های دینی، فرهنگی و اخلاقی تقویت شود، رفتار افراد پیش‌بینی‌پذیر خواهد بود؛ زیرا افراد در چهارچوب قواعد خاصی رفتار می‌کنند. از این رو، قابلیت اعتماد افراد

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بیشتر است و درنتیجه مناسبات اجتماعی روان‌تر و کم‌هزینه‌تر صورت می‌گیرد. این همان چیزی است که سرمایه اجتماعی در پی آن است.

شکربیگی، نرگس (۱۳۹۶) در پژوهشی که با عنوان «**بازتاب سرمایه اجتماعی در قرآن و حدیث**» انجام داده است، این‌گونه می‌نویسد: «با آنکه اصطلاح سرمایه اجتماعی در آیات و روایات به صورت مستقیم نیامده، اما مفاهیم پایه این اصطلاح؛ مانند شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، کنترل، نظارت، مدارا، اعتماد اجتماعی، مشارکت، همبستگی اجتماعی و ... در بسیاری از آیات و روایات، شناخت و تبیین دیدگاه اسلامی در زمینه سرمایه اجتماعی را میسر ساخته است. دستور اکید قرآن کریم و احادیث مبنی بر حفظ وحدت و تشویق به فعالیت-های مشارکتی، برقراری رابطه آخرت و برادری بین اقشار گوناگون اخلاق‌مداری و ترویج روحیه دگرخواهی، تنها گوشه‌ای از بازتاب سرمایه اجتماعی است.»

شرف، رهام (۱۳۹۸) در پژوهشی با نام «نقش الگوهای دینی در حفظ پایداری و بقای سرمایه اجتماعی»، این نتیجه را حاصل می‌کند که بر مبنای نگرش اسلامی، سرمایه اجتماعی صرفاً با توجه به مناسبات اقتصادی و سیاسی تعریف نمی‌شود و آنچه در این مقوله محوریت دارد، ارزش‌های دینی و اخلاقی است. دین اسلام، هدفی والا و متعالی را برای بشر مشخص کرده که برای دستیابی به آن، تشکیل جامعه و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی ضرورت دارد. در حقیقت، بر مبنای رویکرد اسلامی با ورود به جامعه و از طریق تعامل و ارتباط انسان‌ها با یکدیگر، سرمایه‌های ارزشی و معنوی شکل می‌گیرند که از آن‌ها با عنوان سرمایه‌های اجتماعی یاد می‌شود و این سرمایه‌ها به تعالی و تکامل هریک از افراد جامعه کمک می‌کنند.

فنائی، هادی (۱۳۹۸) در پژوهشی با نام «بازخوانش بنیادهای مفهومی سرمایه اجتماعی در متون دینی» می‌نویسد: سرمایه اجتماعی، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های پیدا و پنهان جوامع بشری است که بستر شکل‌گیری آن متن جامعه است و با همکاری آحاد مردم تحقق می‌یابد. این سرمایه، به یک ملت خاص تعلق ندارد و در میان تمام ملت‌ها و اقوام، کم و بیش یافت می‌گردد. با توجه به این که سرمایه اجتماعی برخاسته از فرهنگ و دین هر ملتی است، از این جهت به لحاظ کمی و کیفی وابسته به میزان ظرفیت، رشد، تعالی و بسط یافتگی است که در فرهنگ و دین آن ملت وجود دارد. امت اسلامی با بهرمندی از دین جامع، کامل و فرهنگ فاخر، می‌تواند بیشترین سرمایه اجتماعی را بازتولید نماید. قدرت و غنایی که در سرمایه اجتماعی برخاسته از فرهنگ و تمدن اسلامی است، قابل مقایسه با گونه‌های دیگر از سرمایه‌های اجتماعی نیست.

رازقی، نادر (۱۳۹۸) در اثری با نام «فرسایش سرمایه اجتماعی از منظر امام علی (ع)» می-نویسد: مجموعه باورها، عقاید، ارزش‌ها و قوانین اجتماعی، مبتنی بر اسلام، بنیاد سرمایه اجتماعی ما را شکل می‌دهند. بنابراین نظریه و اندیشه امام علی (ع) به‌عنوان نخستین امام شیعی اهمیت زیادی در تبیین فرسایش سرمایه اجتماعی خواهد داشت. بر اساس یافته‌ها، می‌توان بیان نمود که هر قدر جوامع از سرمایه‌های بنیادین شناختی (توحید، تقوای الهی و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

عدالت اجتماعی) دور شوند، به همان میزان سرمایه‌هایشان فرسایش خواهد یافت. یافته‌ها نشان داده است که اختلافات و تفرقه ،موجب تنازع و درنهایت فرسایش سرمایه اجتماعی می‌شود. همچنین گسست پیوندهای اجتماعی، عدم یاری‌گری متقابل، اشرافی‌گری، عدم ساده-زیستی و خاص‌گرایی در مقابل عام گرایی، به‌عنوان علل شرایط تأثیرگذار و مهم در فرسایش سرمایه اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع)تلقی می‌شوند.

با عنایت به پژوهش‌های مطرح شده، نقاط اشتراک و افتراقی میان مقاله پیش رو و پژوهش-های مذکور دیده می‌شود. نقطه اشتراک، توجه به شاخص‌های تأثیرگذار در ارتقای سرمایه اجتماعی است، اما تفاوت و وجه افتراق پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌ها در این است که این پژوهش، در صدد بررسی عناصر تأثیرگذار در ارتقای سرمایه اجتماعی از منظر قواعد فقهی است که در این پژوهش، به شاخص‌ها و مؤلفه‌های تأثیرگذار در ارتقای سرمایه اجتماعی از منظر سه قاعده فقهی مرتبط به موضوع پرداخته شده است.

۱-۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش پیش روی، در زمره پژوهش‌های کیفی است که به شیوه اسنادی انجام پذیرفته است. روش پژوهش اسنادی به منزله روشی تام و تکنیکی برای تقویت سایر روش‌های کیفی در پژوهش‌های علوم اجتماعی مورد توجه بوده است. در این روش، پژوهشگر داده‌های پژوهشی خود را درباره وقایع و رخدادهای اجتماعی، از بین منابع و اسناد جمع‌آوری می‌کند. روش اسنادی؛ یعنی تحلیل آن دسته از اسنادی که شامل اطلاعات درباره پدیده‌هایی که قصد مطالعه آن‌ها را داریم. این روش، مستلزم جستجوی توصیفی و تفسیری است (صادقی فسایی، عرفان-منش، ۱۳۹۴،۶۳).

در روش اسنادی، پژوهشگر به‌دنبال واکاوی مقاصد ذهنی و ادراک انگیزه‌های پنهان یک متن نیست. به همین دلیل نمی‌توان توسعه تکنیکی روش اسنادی را چندان به سنت هرمنوتیک متصل کرد. در روش اسنادی، علاقه پژوهشگر این است که از فهم مقاصد و انگیزه‌های اسناد و متون یا تحلیل‌های تأویلی یک متن خارج شده و آن را به‌عنوان زبان مکتوب و گفتمان نوشتاری نویسنده، پذیرفته و مورد استناد قرار دهد. بنابراین، بستر معرفت‌شناختی و تکنیکی در روش اسنادی بیشتر به پارادایم تفسیری نزدیک است (همان،۶۵).

۲- چارچوب مفهومی

۲-۱. قاعده فقهی

قاعده فقهی در یک اعتبار، بخشی از مسائل فقه است و با آن‌ها وجوه مشترک دارد؛ زیرا مشتمل بر یک حکم شرعی است (محقق داماد، ۱۳۶۳: ۲۱). به‌عبارت دیگر؛ قاعده فقهی عبارت است از حکمی کلی فقهی که در ابواب مختلف فقه با موضوعات متعدد بکار می‌رود؛ مثلاً قاعده

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

لاضرر قاعده‌ای است فقهی. این قاعده در ابواب فقهی دیگر بکار می‌رود (محمدی، ۱۳۷۴: ۱۰). در واقع می‌توان گفت؛ منظور از قاعده فقهی، موضوعات بسیار کلی است که منشأ استنباط قوانین محدودتر بوده و اختصاص به یک مورد خاص ندارد، بلکه مبنای قوانین مختلف و متعدد قرار می‌گیرد (محقق داماد، ۱۳۶۳: ۲۱).

۲-۲. سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی، از مجموعه هنجارها و ارزش‌های موجود در سیستم های فکری، علمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه منتج می شود که این هنجارها و ارزش‌ها، حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی و اقتصادی است و دارای ویژگی اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی است. مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و همیاری میان اعضای یک گروه یا جامعه، شکل دهنده نظامی هدفمند است که باعث دستیابی به اهداف ارزشمند گروه می‌شود. از این رو، شناخت عوامل مؤثر در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی، می‌تواند در گسترش ابعاد سرمایه اجتماعی به جواامع کمک نموده و موجب افزایش عملکرد اجتماعی و اقتصادی آن در بین جوامع گردد (اصغری، ۱۳۹۱: ۹).

با واکاوی در مفاهیم و تعاریف سرمایه اجتماعی، می‌توان دریافت که سرمایه اجتماعی از سه مؤلفه اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی تشکیل شده است. این سه مؤلفه، در یک رابطه متعامل قرار گرفته‌اند و هرکدام تقویت کننده دیگری‌ان، از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند و از مفاهیم کلیدی جامعه شناختی به حساب می‌آیند.

۲-۳. نسبت بین قواعد فقهی و سرمایه اجتماعی

با نگاهی گذرا به قواعد فقهی، مشاهده می‌شود، بسیاری از این قواعد که مبنای حکم شرعی قرار گرفته‌اند، تأکید بر رعایت حقوق مردم، عدالت، تعاون و همکاری در امور خیر و دیگر اصول اخلاقی داشته و از رفتاری که منجر به تلف کردن، اضرار به غیر، فریبکاری و تعدّی به حقوق دیگران باشد، نهی کرده‌اند. این امر حاکی از آن است که شارع مقدس، توجه ویژه‌ای به رعایت اصول اخلاقی و رفتار انسانی داشته و این همان چیزی است که امروزه از آن تحت عنوان سرمایه اجتماعی یاد می‌کنند. درواقع می‌توان گفت؛ در بسیاری از قواعد فقهی بدون آن که به‌طور صریح از سرمایه اجتماعی نام برده شود، مصادیق و مضامین فراوانی را می‌توان یافت که به این امر تصریح دارد. به‌طور کلی می‌توان گفت؛ اگر قواعد فقهی به‌عنوان ارزش‌های متعالی مبنای عمل قرار گیرند، سبب بسترسازی و تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود و در مقابل، جامعه‌ای که مردمانش با بی‌توجهی به این آموزه‌های منبعث از قواعد فقهی، با بی‌اعتمادی، فریبکاری و بدعهدی حقوق یکدیگر را تضییع کنند، سرمایه اجتماعی وجهی نخواهد داشت و رو به افول خواهد گذاشت.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

با توجه به نسبت و تأثیرات قواعد فقهی بر سرمایه اجتماعی، در این مقاله به قواعد فقهی غرور، احسان، تعاون و تأثیرات آن‌ها بر سرمایه اجتماعی پرداخته می‌شود و از آنجا که اعتبار قواعد فقهی، ارتباط مستقیمی با ادله حجیت آن دارد، مستندات و مبنای این قواعد به‌طور اجمال بیان می‌گردد. سپس تلاش خواهد شد تا با بررسی تطبیقی برخی از ابعاد سرمایه اجتماعی مرتبط با قواعد نامبرده از حیث بازتولید سرمایه اجتماعی، ارتباط بین آن‌ها در خصوص تأثیر بهبود و یا کاهش سرمایه اجتماعی تبیین شود.

۳- قاعده غرور[۱]

قاعده غرور، به یکی از جدی‌ترین عناصر سرمایه اجتماعی؛ یعنی «اعتماد» اشاره مستقیم دارد. بررسی کتب قواعد فقه بیانگر آن است که یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی که بحث نسبتاً طولانی را به خود اختصاص داده است، قاعده غرور است که فقها با استناد به آن در فروع فقهی استدلال کرده و بر اساس آن فتوا صادر می کنند. «صاحب عناوین» نویسنده یکی از معتبرترین آثار در زمینه قواعد فقه، قاعده غرور را این‌گونه تعریف می‌نماید: هر شخصی که طرف مقابل خود را بفریبد، فریبنده نسبت به آنچه شخص مغرور زیان‌دیده ضامن است (مراغه‌ای، ۱۴۱۸ق:۴۴۰) . همچنین در تعریفی دیگر آمده است: قاعده غرور نزد فقها عبارت است از این که شخصی کاری را انجام دهد و به‌واسطه انجام این کار، به دیگری ضرر برساند و متضرر شدن شخص دوم، به علت فریب خوردن وی از شخص اول باشد؛ هرچند فرد اول قصد فریب دادن نداشته باشد و خود او نیز فریب خورده جاهل و یا در اشتباه بوده باشد (بجنوردی، ۱۳۸۹: ۲۲۵) . امام خمینی اصل فریب را به‌عنوان یک حالت روحی، محور اصلی تحقق قاعده غرور می‌داند. از نظر ایشان، تقدم غرور چه از نظر رتبه و چه از نظر زمان وقوع، بر اتلاف و اضرار تقدم دارد (امام خمینی، ۱۴۱۵ق، ج۲: ۳۳۴).

آنچه از بررسی تعاریف فوق مستفاد می‌شود، ضامن بودن غارّ، در صورت تحقق عناصر غرور است؛ لذا فریب خورده می‌تواند برای جبران خسارت‌ها به وی رجوع کند. به نظر می‌رسد مبنای ضمان، فریبی است که موجب خسارت و تحمل غرامت توسط فریب‌خورده شده است؛ بی‌آنکه لازم باشد ضرر به معنای مصطلح آن محقق گردد.

۳-۱. مستندات قاعده فقهی غرور

حدیث نبوی «المغرور یرجع الی من غره»؛ یعنی کسی که فریب خورده، جهت اعاده حقوق خود به فریبنده رجوع می‌کند. این جمله خبری است که در مقام بیان حکم است. بدین معنا که

۱- مطالب برگرفته از رساله کارشناسی ارشد با عنوان « قاعده غرور » ، نگارنده ، ۱۳۷۸

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فریب خورده حق دارد به فریبنده خود مراجعه کند. این مراجعه، معنایی جز مطالبه زیان وارد بر او ندارد (محمدی، قواعد فقه، ۱۳۹۰: ۸۰).

بنای عقلا؛ دومین قسم از مستندات قاعده غرور بنای عقلا می‌باشد. به این معنی که عقلا در معاملات و سایر امورشان هنگامی که متضرر می‌شوند، به کسی که به آن‌ها ضرر وارد کرده است مراجعه کرده و خساراتشان را از فریبنده می‌گیرند و این امر شایعی است که منکری ندارد (بجنوردی، ۱۳۸۹: ۲۲۷). این موضوع در بین خردمندان امری رایج و متعارف است. بنابراین بنای عقلا در این مورد، یکی از دلایل قاعده غرور است (محقق داماد، ۱۳۶۳: ۱۷۳).

اجماع: سومین دلیل از مستندات قاعده غرور اجماع است . فقهای امامیه اتفاق نظر دارند که مغرور به مقدار ضرری که از ناحیه فریبکار بر او وارد شده، می‌تواند به او مراجعه کرده و طلب خسارت نماید. در این مورد، بین فقها اختلافی نیست و اگر هم اختلافی باشد، در برخی از موارد تطبیق قاعده با مصداق‌هاست (بجنوردی، ۱۳۸۹: ۲۲۷). شواهد امر حاکی از آن است که این قاعده مورد اختلاف فقها نبوده؛ به‌گونه‌ای که آن را امری مسلّم فرض نموده و در موضوعات مختلف بدان استناد کرده‌اند.

۳-۲. قاعده غرور و سرمایه اجتماعی

باید توجه داشت، گسترش فریب، خدعه و نیرنگ در فضای حاکم بر جامعه، نتیجه از بین رفتن سرمایه اجتماعی است، لذا به‌منظور جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی مانند فریبکاری و حیله‌هایی که از ناحیه شخصی بر دیگری وارد می‌شود، طبق احکام اسلامی این قاعده غرور است که مکلّفین را ملزم می‌کند با پذیرفتن مسئولیت رفتار خود، هرگونه ضرر و خسارات وارد به دیگری را جبران نمایند. به دیگر سخن، در صورت تحقق عناصر غرور، مغرور می‌تواند برای جبران خسارت‌ها به فریب دهنده رجوع کند؛ مشروط بر آن که یکی از موانع زیر در میان نباشد: تقصیر مغرور، رضایت او به تحمل غرامت، اقدام وی به زیان خود، برعهده داشتن ضمان مال توسط مغرور و احسان غارّ، ولی انتفاع مغرور از مال مورد ضمان، مانع از رجوع او نمی‌باشد (صفری، ۱۳۷۵) به‌طوری که شهرت این قاعده در باب ضمانات است (بجنوردی، ۱۳۸۹: ج۱، ۲۲۵). تردیدی نیست که مورد مسلّم حاکمیت قاعده غرور، جایی است که غارّ، عالم به نتیجه مترتّب بر عمل خود باشد. در این مورد مسلّم است که قاعده غرور، موجب ضمان است و اختلافی هم در بین نیست (محقق داماد، ۱۳۶۳: ۱۷۷). لذا در تحقق غرور، جهل شخص مغرور لازم، ولی علم و جهل شخص غارّ، تفاوتی به وجود نمی‌آورد (محمدی، ۱۳۹۲: ۸۵).

بر اساس مادّه ۲۱۶ قانون مدنی ایران نیز مورد معامله نباید مبهم باشد. به نظر فقها، این حکم اختصاص به عقد بیع ندارد و مجهول بودن مورد معامله در عقود دیگر؛ از جمله اجاره هم موجب بطلان عقد می‌شود (بجنوردی، ۱۳۸۹: ۱۴۸). از آنجا که اعتماد، رکن اصلی سرمایه اجتماعی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

است، بزرگترین آسیب به سرمایه اجتماعی، آن هنگامی وارد می‌شود که اعتماد به‌عنوان سنگ-بنای زیرین یک جامعه انسانی، از طریق اغواء یا فریب دیگری سلب شود. فحوای قاعده غرور به این موضوع اشاره دارد که اگر فردی به هر نحوی از انحاء از طریق فریبکاری، زیان و ضرری را متوجه فرد دیگری نماید، می‌بایست در راستای بازسازی اعتماد از دست رفته و ترمیم سرمایه اجتماعی، آن زیان وارده را جبران نماید. این نکته از این حیث حائز اهمیت است که قاعده نامبرده، عنصر فریب را عامل جدی سلب اعتماد و فرسایش سرمایه اجتماعی قلمداد کرده است، لذا به جبران خسارات وارده در راستای ترمیم اعتماد از دست رفته تأکید می‌نماید که خود گویای توجه دین مبین اسلام به اثرات مخرب فریبکاری در ایجاد بی‌اعتمادی عمومی و کاهش سرمایه اجتماعی است. با نهادینه شدن این آموزه‌ها در جامعه؛ از جمله اجتناب از فریبکاری در تمامی تعاملات اجتماعی و جبران خسارات وارد شده، در صورت اضرار به غیر، میزان وثوق و اعتماد افراد نسبت به یکدیگر افزایش یافته و درنهایت می‌تواند باعث تقویت و انباشت سرمایه اجتماعی شود. در این بخش برای تبیین موضوع، به برخی از مولّفه‌های سرمایه اجتماعی که به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم به ارتباط مفهومی باقاعده غرور اشاره دارد، پرداخته می‌شود.

۳-۳. صداقت

از آنجا که صداقت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های قاعده غرور، بر اجتناب از فریب، خدعه و ریاکاری تأکید دارد، لذا یکی از راهکارهای تقویت سرمایه اجتماعی، صداقت‌محوری در رفتار، گفتار و کردار بین آحاد مردم، مسئولین و همچنین در فضای حاکم بر جامعه است که می‌تواند با ایجاد اعتماد در جامعه سرمایه‌ساز باشد.

در فرهنگ و ساختار حکومت دینی، بهره‌گیری از سیاستی که مبتنی بر خدعه و نیرنگ باشد، جایز نیست و در همین راستا، یکی از امتیازات حکومت علوی، استواری آن بر پایه صداقت است. زیرا که نفاق و ناراستی با مردمان، بی‌حرمتی به آنان است و حکومت صالح هرگز چنین چیزی را برنمی‌تابد.

صداقت‌محوری در نهادینه شدن سرمایه اجتماعی، عنصری مهم قلمداد می‌گردد؛ چرا که صداقت بین افراد سبب ایجاد اعتماد، صمیمیت و به وجود آمدن حسّ مشارکت بیشتر در جهت رفع نیازها و تعاملات انسانی شده و در مقابل، موارد سلبی که باعث مخدوش شدن صداقت در جامعه می شود؛ نظیر فریبکاری، دروغگویی، ریاکاری و سایر رذایل اخلاقی، عاملی مهم در کاهش سرمایه اجتماعی محسوب خواهد شد.

درواقع می‌توان گفت؛ اگر چنانچه با بها دادن به هنجارهای اخلاقی درجامعه، صداقت در بین آحاد شهروندان نهادینه گردد، اعتماد بین فردی افزایش یافته و درنتیجه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و متعاقب آن، سرمایه برون‌گروهی نیز افزایش خواهد یافت.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳-۴. پرهیز از دروغ

رذیله اخلاقی دروغ همواره درتمام ادوار و اعصار، یک آفت اجتماعی قلمداد شده که باعث اشاعه بسیاری از پستی‌ها و پلشتی‌ها در جامعه؛ ازجمله شایعه‌پراکنی، تهمت و افترا می‌گردد. دروغ مانند سایر بیماریهای روانی، ابتدا از یک مسأله ساده آغاز شده و چنانچه به موقع درمان نشود، به یک بیماری مزمن تبدیل می شود. به همین خاطر است که تا ضرورت و مصلحت مهمی در میان نباشد، دروغ گفتن جایز نیست. خداوند در قرآن کریم با تقبیح دروغگویی می‌فرماید: «إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ»[1] نحل/۱۰۵). با توجه به این آیه، فرد دروغگو به قدری از سوی خداوند مورد مذمت قرار می‌گیرد که او را بی‌ایمان معرفی کرده و هیچ فرد بی‌ایمان، مؤمن تلقی نمی‌گردد. در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ »[2] زمر/۳).

به‌درستی اعتماد متقابل، مهم‌ترین سرمایه یک جامعه است و آن چیزی که می‌تواند این سرمایه معنوی را به نابودی بکشاند، دروغ، فریب و تقلّب است، لذا به همین دلیل، در آموزه‌های اسلامی بر اهمیت راستگویی و پرهیز از دروغ تأکید شده است؛ زیرا انجام امور توأم با دروغ، نیرنگ و بی‌اعتمادی، باعث سلب امنیت روانی در جامعه شده است؛ در حالی‌که صداقت در امور، باعث تقویت انسجام اجتماعی و افزایش ضریب اعتماد عمومی خواهد شد.

۳-۵. درستکاری

از آنجا که کردار و رفتار شایسته، از اعمال نیک انسانی بوده و از منظر دین و خرد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، فطرت پاک انسانی نیز ایجاب می‌کند که آدمی با تعادل بین ظاهر و باطنش، آنچه را که به آن باور دارد، بر زبان جاری کند؛ لذا راستگویی واجب و از خصلت‌های برجسته مؤمنان است که در آیات و روایات فراوانی بر آن تاکید شده است. ازجمله آیه شریفه: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ ما لا تَفْعَلُون كَبُرَ مَقْتاً عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا ما لا تَفْعَلُون (صف/۳).

همچنین در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: إِنَّ اَللهَ عزوجل لَمْ يَبْعَثْ نَبِيّاً إِلاَّ بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الأَمَانَةِ إِلَى البَرِّ وَالْفَاجِرِ (کلینی، ج۲، ۱۰۴). همانا خداوند (عز وجل)، هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، مگر برای این که مردم را به راستگویی و ادای امانت به نیکوکار و بدکردار دعوت کند.

درواقع می‌توان گفت؛ انسان موجودی اجتماعی است و به همین خاطر، رشد و تکامل او در بستر جامعه سالم شکل خواهد گرفت و توجه به عوامل سلامت اجتماعی؛ ازجمله درستکاری در رفتار و مناسبات، امنیت اجتماعی و تقویت روحیه روابط اجتماعی، می‌تواند به تقویت سرمایه اجتماعی بینجامد.

۱- تنها کسانی دروغ پردازی می‌کنند که به آیات خدا ایمان ندارند و آنان خود دروغگویانند.

۲- در حقیقت خداوند آن کسی را که دروغ پرداز ناسپاس است هدایت نمی‌کند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳-۶. اعتماد

اعتماد، از اجزای اصلی سرمایه اجتماعی است؛ بطوری‌که هر مقدار میزان اعتماد در بین آحاد جامعه بالاتر باشد، به همان نسبت تعامل و همکاری هم بیشتر خواهد شد و رفتاری توأم با صمیمیت و پذیرفتن مسئولیت اجتماعی شکل خواهد گرفت. علاوه بر آن، بین سرمایه اجتماعی و اعتماد متقابل ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. شاید به تعبیری دقیق‌تر بتوان گفت؛ به هر میزان اعتماد در جامعه‌ای بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی قوت می‌گیرد و به هر میزانی که فضای بی-اعتمادی در جامعه حاکم باشد، سرمایه اجتماعی رنگ می‌بازد.

به‌طور کلّی اعتماد، شاخص مناسبی برای پیوندهای مثبت و متقابل است و به همین دلیل، به‌عنوان مهم‌ترین عنصر سرمایه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. به‌طوری که می‌توان گفت؛ تحقق زندگی سالم اجتماعی، منوط بر آن است که فیما بین افراد یک جامعه، اعتماد و اطمینان متقابل شکل گرفته و آحاد مردم با پذیرفتن مسئولیت اجتماعی، قوانین، هنجارها و حقوق خود و دیگران را محترم شمرده و هرکس خود را در هر شرایطی در قبال جامعه متعهد بداند و همان‌گونه که کلمن اشاره می‌کند، اعتماد یعنی انتظاری که از دیگران برای بازپرداخت تعهدات داریم. تعهداتی که افراد به لحاظ اجتماعی نسبت به یکدیگر دارند (فقیه خلجانی، ۱۳۹۲: ۶۶).

زندگی اجتماعی بشر، بر اساس محترم شمردن پیمان‌ها و وفای به عهدهاست. روابط میان انسان‌ها، به‌شدّت به قراردادها، پیمان‌ها و تعهداتی وابسته است که کنشگران اجتماعی نسبت به یکدیگر دارند. بنابراین وفای به عهد و پیمان، از عوامل مؤثر بر تقویت اعتماد در روابط میان افراد است. علاوه بر آن، امانتداری، اخلاص، صداقت، تقوا و پرهیز از تجاوز، اذیت و رساندن ضرر به دیگران، از اصول مورد تأکید در اخلاق اسلامی هستند که تأثیر بسزایی در ایجاد اعتماد میان افراد و گروه‌ها دارند (فصیحی، ۱۳۸۶: ۱۲۳).

درواقع به هر میزان که در جامعه صداقت، درستکاری و اعتمادسازی نهادینه شود، عزّت و همبستگی اجتماعی ایجاد شده و ضریب اطمینان افراد به یکدیگر افزایش می‌یابد. درنتیجه سرمایه اجتماعی تقویت می‌شود و به همان نسبت، هر مقدار که جامعه از اخلاق فاصله گرفته و دروغ، نیرنگ و تدلیس در فضای جامعه گسترده شود، انسجام و امنیت اجتماعی از بین رفته و در نتیجه سرمایه اجتماعی رو به افول می‌رود.

جدول۱. وضعیت های بدیل سرمایه اجتماعی در عمل به قاعده فقهی غرور یا نادیده گرفتن آن

عنوان	ابعاد سرمایه اجتماعی	وضعیت بدیل مثبت	وضعیت بدیل منفی
قاعده غرور	صداقت	ایجاد فضای اعتماد و یکرنگی	گسترش نفاق و دورویی
		عاری بودن از تظاهر و ریاکاری	ترویج تزویر و ریاکاری
		پایبندی به اصول اخلاقی	رواج بی تعهدی اخلاقی
		صداقت و راستگویی	نیرنگ و دروغگویی
	پرهیز از دروغ	تقویت فضای اعتماد	سلب اعتماد عمومی
		تقبیح سخن‌چینی و عیب‌جویی	گسترش شایعه‌پراکنی
		ستر عیوب و نفی تهمت	اشاعه تهمت و افترا
		تقویت انسجام اجتماعی	تشتت آراء و پراکندگی اجتماعی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

	درستکاری	ایجاد روحیه امیدواری	ایجاد فضای یأس و نا امیدی
		افزایش امنیت اجتماعی	سلب امنیت اجتماعی
		تقوی و خداترسی	دغلبازی و بی تقوایی
	اعتماد	جلب اعتماد عمومی به جهت پرهیز از فریبکاری	سلب اعتماد به جهت اغوا و فریب
		کسب عزت و جایگاه اجتماعی	ذلت و از دست دادن جایگاه اجتماعی
		صداقت در معاملات	غش و تدلیس در معاملات

۴- قاعده تعاون و حرمت اعانت بر اثم

طبق این قاعده فقهی، مؤمنان باید به یکدیگر در امور خیر و نیکی یاری رسانند و از همکاری در گناه و دشمنی اجتناب نمایند. هر آنچه در راستای طاعت الهی و بندگی باشد، از جمله امور خیر و نیک است و در مقابل، ظلم و عدوان از موارد گناه و دشمنی با خدا و مؤمنان به شمار می‌آید. به‌عبارت دیگر؛ طبق این قاعده فقهی به همان نسبت که در امور خیر تأکید بر مشارکت، همکاری و همراهی شده، هرگونه تعاون و همکاری در انجام گناه یا تعدّی به حقوق دیگران حرام شمرده می‌شود و از آن نهی شده است. در تعریف معاونت گفته‌اند: معاونت عبارت است از انجام دادن برخی از مقدمات فعل حرام، به قصد ایجاد آن حرام، نه مطلق انجام دادن آن مقدمات (شیخ انصاری، ۱۳۷۵: ج۱، ۱۳۳).

۴-۱. مستندات

قرآن آیه شریفه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ[۱]» (مائده/۲). گروهی از فقها از این آیه شریفه تعاون در امور خیر و حرمت اعانه بر اثم را استنباط نموده‌اند. استدلال ایشان این است که در این آیه، تعاون بر اثم نهی شده و نهی دلالت بر حرمت دارد.

روایات در خصوص همکاری در امور خیر و نهی از مشارکت در انجام گناه، روایات متعددی از معصومین (ع) نقل شده است؛ ازجمله امام علی (ع) می‌فرمایند: از حقوق واجب خدا بر بندگان، خیرخواهی به اندازه توان و یاری کردن یکدیگر برای برپایی حق در میان خود است (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶). همچنین امام صادق (ع) در این خصوص می‌فرمایند: از جمله محبوبترین اعمال نزد خدا، شاد کردن مؤمن، سیر کردن او، رفع گرفتاری و یا پرداخت بدهی‌اش می‌باشد. (کافی، بی تا، ج۲، ۱۹۲).

اجماع: همه فقها با تأکید بر تعاون و همکاری در امور خیر، بر این مطلب نیز اجماع دارند که اعانه بر اثم و عدوان حرام است و آن را از مسلّمات گرفته‌اند.

حکم عقل: عقل ضمن تأکید بر همکاری در امور خیر، بر قبیح بودن کمک به گناه و عدوان؛ یعنی هرچه با مخالفت پروردگار همراه است و موجب اجحاف به حقوق افراد می‌شود، حکم می‌کند. روشن است که مقدّمات نزدیک به عمل را که عرفاً به آن‌ها «کمک» می‌گویند، می‌توان مصداق اعانه بر اثم دانست. به گفته برخی از فقها، مقتضای مرتکزات و فطرت انسانی، نیکی

۱- و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید، و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

کمک بر خیر و قبح کمک بر اثم و شرّ است و آیات و سنّت شریف نیز تنها ارشاد به این دو امر هستند (سبزواری، ۱۴۱۸،ج ۱۰، ۲۸۶).

۴-۲. قاعده تعاون و سرمایه اجتماعی

انسان به حکم اینکه موجودی اجتماعی است ، لذا در جهت آسایش و امنیت خود، به دیگران نیازمند است و همین نیازهاست که او را در جهت تعاون و مشارکت با دیگران سوق می دهد . اصولاً به هر میزانی که جوامع بشری پیشرفته تر و متکامل‌تر می‌گردند، مشارکت و همکاری انسان‌ها نیز لزوما افزایش می یابد . نکته قابل تأمل در این قاعده که مصداق روشنی در راستای انسجام و تقویت سرمایه اجتماعی است ، تاکید به همکاری در امور خیر و انذار در مشارکت گناه و دشمنی است . به عبارت دیگر طبق این قاعده فقهی به همان نسبت که به تعاون و همکاری در کار خیرو صواب تاکید شده ، به همان نسبت از مشارکت در گناه و هر فعلی که به انجام دشمنی و کار ناصواب بینجامد نهی شده است .

اگر مشارکت در امور خیر، نظیرِ دستگیری نیازمندان ، احسان و نیکوکاری ، عفو و گذشت، مقابله با ظلم ، صلح و دوستی و در یک کلام مشارکت در هر آنچه موجب رشد توسعه و پیشرفت جامعه می شود، در جامعه نهادینه گردد و مردم بدون توجه به نژاد و نسب ، با افرادی که به انجام امور خیر مبادرت می‌کنند همکاری و همیاری نمایند، بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی کاهش یافته و جامعه‌ای مملوّ از تعاون و همبستگی به وجود می‌آید که حاصل چنین رفتاری ایجاد وفاق و همدلی و تقویت سرمایه اجتماعی بین آحاد شهروندان خواهد شد.

۴-۳. انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی به معنای همبستگی بین افراد و گروههاست ، که در آن افراد و نیروهای مختلف جامعه در اثر پذیرش و درونی کردن نظام ارزشی و هنجاری یک جامعه و وجود تعلق جمعی و تراکمی از وجود تعامل در میان افراد آن ، به تعامل مثبت و سازنده با یکدیگر می پردازند (فقیه خلجانی ؛ ۱۳۹۲ ،۶۶).

انسجام اجتماعی، که در قالب ارتباطات اجتماعی تبلور و ظهور می یابد، یکی از سه مولّفه‌ای است که مهم‌ترین عنصر شکل دهنده ارتباطات اجتماعی است، که در بیشتر تعاریف سرمایه اجتماعی به طور صریح یا ضمنی قید شده ، زیرا افراد از طریق ایجاد شبکه های ارتباطی با یکدیگر، به راحتی بسیاری از کارهایی را انجام می دهند که به تنهایی قدرت انجام آن را ندارند و یا به دشواری انجام می دهند. در درون شبکه های ارتباطی، ارزش ها و هنجار های مشترکی در میان افراد بسط و توسعه پیدا می کند و در پی آن ، دیدگاه مشترک افراد بیشتر و درنتیجه، سرمایه اجتماعی غنی تر می شود (پاتنام ؛ ۱۳۸۰، ۲۹۶). علاوه بر آن رعایت مساوت در

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

احقاق حقوق حقّه مردم و پرهیز از تبعیض و بی عدالتی منجر به ایجاد اعتماد دو سویه بین مردم و حاکمیت شده و باعث انسجام اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه می شود.

۴-۴. مشارکت اجتماعی

مشارکت، فرایندی است که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی، با در نظر داشتن اهداف معین و مشخص که به سهیم شدن آن‌ها در منابع اجتماعی منجر می‌شود، در آن شرکت می‌کنند.

مشارکت اجتماعی در خُردترین سطح تا کلان‌ترین سطوح آن، در ساده‌ترین و در پیچیده‌ترین اَشکالش، دست‌کم مستلزم توجه به سه پایه اساسی در نخستین نگاه است. لازمه مشارکت اجتماعی، وجود تعدادی از افراد است که به گونه‌ای مشترک در کنش متقابل‌اند و این اَشکال مشترک از کنش، مهم‌ترین خصیصه مشارکت در جامعه است. بنابراین تشکیل یک گروه که در سه عنصر اساسی وجه مشترک داشته باشند، هستی‌شناسی مشارکت اجتماعی را تبیین می‌کند.

اول؛ نیازهای مشترک که بدون آن دلیلی برای تشکیل گروه وجود ندارد (تنهایی، ۱۳۸۲،۷۱) تا نیازی از سوی گروهی از افراد تشخیص داده نشود. گروهی نیز تشکیل نخواهد شد تا در جهت ارضای آن نیاز فعالیت نماید. پس گروه برای آن تشکیل می‌شود تا نیاز افراد شرکت کننده در آن را پاسخگو باشد.

دوم؛ هنگامی که به‌واسطه نیازهای مشترک، افراد حول یکدیگر گرد آمدند؛ برای آن که نیازهای خود را کانالیزه و ساختمند کنند و بتوانند به آن پاسخ درخور و شایسته دهند، نیازمند **راه‌های مشترکی** هستند. چرا که بدون راه‌های مشترک، رفتار گروهی که خصیصه دیگر گروه است، وجود نخواهد داشت.

سوم؛ هنگامی افراد در یک گروه سازمان یافته جمع می‌شوند که اهداف مشترک با یکدیگر داشته باشند تا بتوانند از طریق راه‌های مشترک، نیازهای مشترک خود را برآورده کنند. بنابراین هدف‌مندی و برنامه‌ریزی استراتژیک، از جمله ضرورت‌های تشکیل هر گروه اجتماعی است.

بنابر اصل فوق می‌توان مدعی شد «مشارکت اجتماعی به‌واسطه برخورداری از اهداف مشترک کنشگرانِ آن در مسیرها و راه‌های مشترک از پیش تعیین شده، مترصد پاسخ به نیازهای مشترکِ افراد شرکت کننده در آن است». افراد در جریان و فراگرد زندگی اجتماعی درمی‌یابند که از طَریق فعالیت‌ها و کنش‌های مشارکت‌آمیز است که می‌توانند فرایند دستیابی به آمال خویش را تسهیل و تسریع نمایند. بنابراین مشارکت اجتماعی هم برخوردار از یک ساختِ اجتماعی است؛ چرا که شکل تبلور یافته، راه‌های مشترک به صورت ساخت اجتماعی بروز می‌کند و هم برخوردار از کارکرد اجتماعی چه، کارکرد، شکل تجسم یافته اهداف مشترک است (همان). بدیهی است که حذف هریک از مؤلّفه‌های فوق؛ یعنی نیازها، راه‌ها و اهداف مشترک، امکان شکل‌گیری مشارکت به معنای جامعه‌شناسی آن را غیرممکن می‌سازد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۴-۵. مشورت

مشارکت گرفتن از دیگران در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و در یک کلام هرآنچه به تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت جامعه مربوط است، از مهم‌ترین مسائلی است که اسلام آن را مورد تأکید قرار داده است؛ ازجمله آیه ۱۵۹ سوره آل عمران به این امر تصریح دارد و خداوند به پیامبر (ص) دستور می دهد که در امور مختلف با مسلمانان مشورت نماید «وشاورهم فی الامر». همچنین در آیه دیگری، مشورت با دیگران را یکی از ویژگی‌های مؤمنان برشمرده است «وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ » (شوری/۳۸).

همچنین امام علی (ع) در این خصوص می‌فرمایند: هرکه عقل خویش را بی‌نیاز ببیند، بلغزد (کافی، ۱۹/۸) و کسی که مشورت کند، هلاک نمی‌شود (تحف العقول، ۱۵۳).

رجوع به افراد خبره، بهره‌مندی از نظرات عقلا و پرهیز از استبداد رأی، اثرات مخرب روابط سلسله مراتبی را در گروه‌ها و سازمان‌ها از بین برده و با بسترسازی مناسب، دستیابی به اندیشه‌های ناب و مسیر پیشرفت را هموار می‌سازد و درنتیجه می‌تواند میزان سرمایه اجتماعی را در سطح میانی جامعه ارتقا بخشد.

جدول ۲. وضعیت‌های بدیل سرمایه اجتماعی در عمل به قاعده فقهی تعاون یا نادیده گرفتن آن

عنوان	ابعاد سرمایه اجتماعی	وضعیت بدیل مثبت	وضعیت بدیل منفی
قاعده تعاون	انسجام اجتماعی	همبستگی در مشارکت‌های اجتماعی	تفرقه و عدم یاری‌گری متقابل
		افزایش اقدامات داوطلبانه جمعی	بی‌تفاوتی و خودمحوری فردی
		تعمیق اعتماد متقابل	شکاف اجتماعی و بی‌اعتمادی
		اهتمام به وحدت و همبستگی	تشتّت و اختلاف دیدگاه‌ها
	مشارکت اجتماعی	تکافل اجتماعی	فردگرایی و اومانیسم
		سلامت روانی مطلوبتر	مشکلات روحی و روانی
		وفاق و همبستگی اجتماعی	سست شدن پیوندهای اجتماعی
		تسهیل روابط اجتماعی	کاهش تعاملات مدنی
	مشورت	احتراز از استبداد رأی و خودخواهی	استبداد رأی و خودرأیی
		رجوع به افراد خبره و اتخاذ تصمیم صحیح	پشیمانی و سرزنش لئیمان
		دستیابی به اندیشه‌های ناب و هموار شدن مسیر پیشرفت	دور ماندن از انتخاب صحیح و بازماندن از پیشرفت
		بهره‌مندی از نظرات عقلا و کاهش خطا	افزایش لغزش و خطا در تصمیمات

۵- قاعده احسان

عنصر اصلی قاعده احسان «کار نیک» است؛ به این مفهوم که هرگاه کسی کار نیکی انجام دهد و بدون تعدّی و تفریط زیانی به بار آورد، مسئول و ضامن نخواهد بود. مثلا هرگاه کسی می‌بیند که کشتزار همسایه بر اثر بی‌آبی رو به پژمردگی نهاده و می‌داند صاحبش دسترسی به کشتزار خود ندارد، اگر آن کشتزار را آب دهد و به هنگام آبیاری بوته‌هایی بدون تقصیر بشکند او ضامن خسارت نخواهد بود (محمدی، ۱۳۹۰: ۴۲).

ظاهر این است که احسان، دائر مدار واقع است؛ هرچند قصد احسان نکرده باشد. به دلیل این که هرجا عنوانی موضوع حکم شرعی باشد، منظور معنای واقعی آن است (بجنوردی، ۱۳۷۲: ج۴، ص۹). مرحوم صاحب عناوین هم قصد را لازم دانسته و هم واقع امر را، ایشان در این

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

خصوص می‌فرماید: باید در واقع رفع ضرر هم باشد و آنچه به نظر می‌رسد، این است که قصد هم معتبر است و عرف دلیل این مدعاست (مراغه‌ای، ۱۲۹۷ه.ق، ۳۳۲).

از آنجا که قاعده احسان هرجا تمام باشد، مسقط ضمان است و نظر به این که هرگونه تصرفی در مال غیر موجب ضمان است، پس در صورت شک در تأثیر مسقط، باید به قدر متیقن اکتفا کنیم و درنتیجه باید بگوییم هم قصد و هم رسیدن به واقع، از عناصر قاعده احسان می‌باشند (محمدی، ۱۳۹۲: ۴۳). با توجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت: احسان عبارت است از: دفع ضرر از کسی یا جلب منفعت برای او به قصد نیکی و به شرط این که قصد، منطبق با واقع هم باشد (محمدی، ۱۳۹۲: ۴۴).

بدین منظور که هرگاه فردی با نیّت خیرخواهانه و احسان به دیگران، موجب اضرار به دیگری شود، فعل او ضمان‌آور نیست و شخص خیّر، ضامن شناخته نمی‌شود. این قاعده علاوه بر بسترسازی و ترغیب افراد به پیشگام شدن در امور خیر، سبب می‌شود نیکوکاران از انجام دادن عمل خیر پشیمان نشوند.

۵-۱. مستندات

قرآن، آیه شریفه «لَیسَ عَلَی الضُّعَفاء وَ لاعَلَی المَرضی وَ لاعَلَی الّذینَ لایجدُونَ ما ینفقُونَ حَرَجٌ إذا نَصَحُوا لله وَ رَسُوله ما عَلَی المُحسنینَ من سَبیل وَ اللهُ غَفُورٌ رَحیمٌ» (توبه/۹۱)[۱]. این آیه درباره ضعیفان و بیماران است و آیه شریفه «ما عَلَی المُحسنینَ من سَبیل» دلالت می‌کند بر این که اگر کاری به نتیجه‌ای بینجامد که جای نکوهش داشته باشد، چون از نیکوکاری سرزده است، بر او مؤاخذه‌ای نیست.

روایات؛ احادیث متعددی درباره احسان وارد شده است؛ از جمله آن‌ها از امام علی (ع) نقل شده که فرموده‌اند: «به‌درستی که اشتباهات قضات در ریختن خون یا قطع عضو بر عهده بیت‌المال مسلمانان است» (حرّ عاملی، ۱۳۹۸: ج۱۸، ۱۶۵). همچنین در روایت دیگری از امام باقر (ع) درباره شخصی سؤال شده است که هر دو شتر او فرار کرده‌اند و شخص دیگر آن‌ها را می‌یابد و در یک ریسمان می‌بندد، ولی یکی از آن دو شتر در اثر کشش ریسمان خفه می‌شود. حضرت می‌فرماید: شخص یابنده ضامن نیست؛ زیرا کار او عملی مصلحانه در مورد مال‌باخته محسوب می‌شود (عاملی، ۱۴۱۳: ۲۷۴). بنابراین حضرت به خاطر عمل اصلاح‌طلبانه شخص یابنده، او را از پرداخت هرگونه خسارتی معاف می‌نماید.

حکم عقل؛ عقل مؤاخذه و مجازات نیکوکار را در عوض نیکی وی قبیح می‌داند و آیه «هَل جَزاءُ الإحسانِ إلاَّ الإحسانُ» نیز ظاهراً به این امر اشاره دارد که خداوند با استفهام انکاری می‌پرسد: مگر پاداش احسان جز احسان است؟ (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۲۹). مفهوم این آیه، بیانگر

۱- بر ناتوانان و بیماران و بر کسانی که چیزی نمی‌یابند تا خرج کنند، در صورتی که برای خدا و پیامبرش خیرخواهی نمایند، هیچ گناهی نیست و بر نیکوکاران ایرادی نیست، و خدا آمرزنده مهربان است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

این مطلب است که نمی‌توان کسی را که کاری را با قصد نیکی انجام داده، ضامن اثرات حاصل از آن کار دانست (محمدی، ۱۳۹۰: ۴۵). این موضوع را می‌توان از بدیهیات برشمرد که هر عقل سلیمی به آن اذعان دارد.

اجماع؛ بنا بر آنچه قواعدنگاران نوشته‌اند، همه فقها بر قاعده «احسان» اجماع نظر دارند و همچنین در ابواب گوناگون، به نبود مخالف در این مسأله تأکید نیز دارند (نجفی، ۱۳۹۲: ۷۹).

۵-۲. ارتباط بین قاعده احسان و سرمایه اجتماعی

آنچه مسلّم است، احسان و نیکوکاری به‌عنوان یک رفتار انسانی، مقوّم روابط اجتماعی است؛ چرا که اگر در جامعه بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی به خاطر نگرانی از تبعات احتمالی کار خیر حاکم شود، خسارات جبران‌ناپذیری بر پیکره اجتماع وارد شده و استمرار آن باعث گسست اجتماعی خواهد شد. در مقابل با توجه به آنچه در تعریف قاعده احسان گذشت، می‌توان گفت هر کاری؛ اعم از کوچک یا بزرگ، مادی یا معنوی که بتواند اندوهی را از دل مؤمنی برطرف نماید و به هر طریقی گره از کار فردی باز کند، می‌تواند منجر به تقویت انسجام بین شهروندان شده و به انباشت سرمایه اجتماعی بینجامد..

۵-۳. عفو و گذشت

عفو (صفح)، از صفات پسندیده‌ای است که در مکاتب اخلاقی مورد ستایش قرار گرفته و با بکاربردن این صفت در زندگی می‌توان از ثمرات دنیوی آن بهره‌مند شد. در تفاوت معنایی «عفو» و «صفح» گفته شده است که صفح، یک مرتبه برتر و بلیغ‌تر از عفو است؛ زیرا در عفو، شماتت و مذمّت زبانی نفی نشده است، اما در صفح علاوه بر بخشش خطا، به خطاکار روی خوش نشان داده می‌شود و در واقع، خطای او فراموش می‌شود و هیچ نوع شماتتی نسبت به او انجام نمی‌شود. پس معنای صفح عبارت است از: روی خوش نشان دادن به خطاکار؛ یعنی علاوه بر این که او را عفو کردم، به او روی خوش هم نشان دادم (طباطبایی، بی‌تا، ج۱۲، ۱۹۰).

در آموزه‌های اسلامی، «عفو» و «گذشت» از اصول اخلاقی در مواجهه با لغزش و خطای افراد شمرده می‌شود. به‌طوریکه در قرآن کریم، آیاتی که مجازات مجرمان را شرح می‌دهد، در کنار آن عفو و گذشت از خطا را نیز به‌عنوان یک ارزش برتر بیان کرده و بعد از بیان نحوه اجرای حکم قصاص می‌فرماید: «فَمَنْ عُفِی لَهُ مِنْ اَخیهِ شَیءٌ، فَاتّباعٌ بِالْمَعروفِ وَ اَداءٌ اِلَیهِ باحسان...» (نور/۲۲). پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود مورد عفو و بخشش قرار گیرد، باید از راه پسندیده پیروی کند و (دیه را) با نیکی به عفو کننده بپردازد. عفو و گذشت، علاوه بر آن که باعث ایجاد صمیمیت در میان افراد می‌شود، نقش بسزایی در بهبود روابط اجتماعی نیز ایفا می‌نماید.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۵-۴. ایثار

معنای واقعی ایثار آن است که فرد با وجود این که رفتار مناسبی از طرف مقابل خود نمی‌بیند، با رفتار موجه و بزرگ منشی به تعامل و ارتباط مثبت با او اقدام کرده و درمقابل انتظار هیچ پاداشی را از سوی دیگران نداشته باشد . نهادینه شدن فرهنگ ایثار در جامعه، منجر به ایجاد فضایی توأم با اعتماد و در نتیجه انباشت، سرمایه اجتماعی در جامعه اسلامی می‌شود. این موضوع مورد تأکید اسلام بوده و بسیاری از مکاتب به آن بی‌توجه‌اند. به همین خاطر است که اسلام از پیروان خود می‌خواهد بدون توجه به رفتار طرف مقابل، ایثار نمایند و برای چنین رفتاری، وعده پاداش عظیمی می‌دهد. قرآن در این‌باره می‌فرماید: ممّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (حشر/۹).[۱]

ایثار جنبه‌های مختلفی دارد. گاه با گذشتن از جان و مال صورت می گیرد و زمانی نیز با هزینه کردن اعتبار و گاهی اوقات به‌طور ترکیبی همه آن‌ها را شامل می‌شود. در واقع ایثارگر با انتخاب آگاهانه خود و برای رسیدن به یک هدف والا تصمیم می‌گیرد از داشته‌های خویش چشم بپوشد و دغدغه‌ها و منافع دیگری را بر خود ترجیح دهد و با دگرخواهی در مقابل خودخواهی، در راه مرتفع ساختن مشکلات دیگری تلاش نماید.

۵-۵. نیکوکاری

از جمله مفاهیم ارزشمندی که در آموزه‌های دینی مورد توجه قرار گرفته و به آن تأکید شده، احسان و نیکوکاری است؛ چرا که این فضیلت اخلاقی، کارکردهای زیادی در عرصه‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی، معنوی و ... دارد. در اهمیت و ضرورت احسان همین بس که رواج آن در میان مردم، سبب پیدا شدن جامعه‌ای متعادل و برخوردار از انسجام اجتماعی می‌شود و فقر و آسیب‌های ناشی از آن، از جامعه رخت برمی‌بندد. برای ساختن چنین جامعه‌ای نیازمند همراهی اغنیا از طریق اختصاص دادن برخی از سرمایه های خود برای رفع فقر و فاصله طبقاتی است. خدای متعال در توصیف پرهیزکاران بهشتی می‌فرماید: «وَ فِی أَمْوالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ» (ذاریات/۱۹).[۲] نیکوکاری باعث ایجاد دوستی و صمیمت بین افراد جامعه شده و با تقویت ایجاد تعهد اجتماعی، سرمایه اجتماعی قوام می‌یابد.

۵-۶. اخلاق اجتماعی

در مورد اخلاق گفته‌اند: «اخلاق عبارت است از علم چگونه زیستن یا علم چگونه باید زیست» (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۹۰). به‌عبارت دیگر، اخلاق به صفات درونی انسان گفته می‌شود که

---

۱ – هرچند خودشان نیاز مبرم داشته باشند ، آنها را بر خود مقدم می دارند. و هر کس از خست نفس خود مصون ماند، رستگار می گردد.

۲ – و در اموالشان بر فقیر سائل و محروم حقّی منظور می‌داشتند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

در او به صورت عادت درآمده است؛ به‌گونه‌ای که عمل مربوط به آن صفت در جایی که موقعیت آن پیش می‌آید، بدون درنگ از شخص سر بزند و علم اخلاق، علمی است که با شناساندن صفات نیک و بد و اعمال درست و نادرست اخلاقی، انسان‌ها را به کسب صفات نیک و انجام اعمال درست توصیه می‌کند و راهکارهای عملی این مهم را بیان می‌کند.

گاهی واژه اخلاق صرفاً در مورد اخلاق نیک و فضایل اخلاقی بکار می‌رود؛ مثلا وقتی گفته می‌شود «فلان کار اخلاقی است» یا «دروغ‌گویی کاری غیراخلاقی است» و یا زمانی که گفته می‌شود «عصاره اخلاق عشق و محبت است»، منظور از اخلاق، تنها اخلاق فضیلت است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۹). اخلاق، از ضروری‌ترین نیازهای جامعه انسانی است و بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی، ریشه اخلاقی دارد. به همین دلیل، اصلاح اخلاق زیربنای اصلاح جامعه دانسته می‌شود.

اخلاق اجتماعی، مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هستند که نسبت به فرد، امور بیرونی و مستقل تلقی می‌شوند، در جریان جامعه‌پذیری برای او درونی می‌گردند، به‌صورت جزئی از شخصیت او در می‌آیند و در نهایت رفتار فرد را در جامعه تعیین می‌کنند. براساس تعریف فوق، اخلاق اجتماعی حوزه‌ای از فرهنگ عمومی یک جامعه را تشکیل می‌دهد که شامل عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هستند. در واقع می‌توان گفت؛ از منظر اخلاقی، نتیجه اندیشه اصلی سرمایه اجتماعی این است که خانواده، دوستان و همکاران، سرمایه ارزشمندی را برای هر فرد تشکیل می‌دهند و یک فرد می‌تواند در شرایط بحرانی از آن‌ها بهره گیرد یا برای منافع مادی استفاده نماید.

با نگاهی اجمالی به قاعده احسان، ابعاد و مؤلفه‌های اجتماعی مرتبط با آن می‌توان دریافت که ایثار، گذشت، نیکوکاری و اخلاق‌مداری از هنجارهای توصیه شده در اسلام هستند که با ترویج این اصول اخلاقی، ملکات و فضائل اخلاقی در جامعه نهادینه شده و با تقویت این اصول سرمایه اجتماعی قوام می‌یابد و درمقابل، با عدم عفو و بخشش انتقام‌جویی و کینه‌توزی، نفرت و دشمنی در جامعه حاکم شده و استمرار این وضعیت به نابسامانی امنیت و کاهش سرمایه اجتماعی می‌گردد.

جدول ۳. وضعیت‌های بدیل سرمایه اجتماعی در عمل به قاعده فقهی احسان یا نادیده گرفتن آن

عنوان	ابعاد سرمایه اجتماعی	وضعیت بدیل مثبت	وضعیت بدیل منفی
قاعده احسان	عفو و گذشت	تبدیل دشمنی به دوستی	تشدید خشونت و کینه‌توزی
		کاهش اختلالات روانی، آرامش و آسایش	ایجاد مشکلات روحی روانی و سلب آسایش
		کسب محبوبیت و اعتبار اجتماعی	بی‌اعتباری اجتماعی و کاهش محبوبیت
		بهبود تعاملات اجتماعی	تشدید تنش‌های اجتماعی
	ایثار	دگرخواهی	خودخواهی
		مشارکت در فعالیت‌های عام المنفعه	عدم مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه
		ایجاد روحیه گذشت و فداکاری در جامعه	بی‌اعتباری روحیه گذشت و فداکاری در جامعه
		افزایش امید و همبستگی در جامعه	کاهش امید به آینده و ایجاد فضای یأس و ناامیدی
	اخلاق اجتماعی	احساس شرم از ارتکاب کارهای غیراخلاقی	بی‌ارزش شدن هنجارهای اخلاقی
		تحمل و مدارا با خرده فرهنگ‌ها	و ایجاد فرهنگ بی‌تفاوتی در جامعه

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

		ایجاد حس همدلی و تشریک مساعی	فردگرایی و انشقاق اجتماعی
		نهادینه‌سازی مسئولیت‌پذیری	بی‌تعهدی و عدم مسئولیت‌پذیری
	نیکوکاری	کاهش فقر	گسترش فقر در جامعه
		احسان بی‌منت	منت‌گذاری و ریاکاری
		تعدیل ثروت در جامعه	افزایش نظام طبقاتی
		تقویت شبکه‌های اجتماعی	عدم شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی

۶- نتیجه‌گیری

قواعد فقهی، قوانین بسیار کلی هستند که منشأ استنباط احکام فقهی واقع می‌شوند و اختصاص به یک مورد خاص ندارند و در مقابل سرمایه اجتماعی منابع در دسترس هستند که برخلاف سرمایه فیزیکی به‌تبع استفاده، نه تنها نقصان نمی‌پذیرند، بلکه افزایش یافته و حتی در صورت عدم استفاده از بین می‌روند. این سرمایه، پیش از آن که تبدیل به رفتار اجتماعی شود، می‌بایست در نگرش جمعی آحاد مردم نقش بندد.

فرایند شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در یک جامعه دینی، آن هنگامی شتاب می‌گیرد که حمایت و پشتیبانی احکام فقهی را داشته باشد. در غیر این صورت رشد و تولید سرمایه اجتماعی، فرایندی بطئی و کند خواهد بود. از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک مفهوم برخاسته از نظریات و متون غربی، اگر بدون طی نمودن فرایند بومی‌سازی عیناً با همان انگاره‌های ذهنی جغرافیای غرب در جامعه پیاده شود، نه تنها بر سرمایه موجود نخواهد افزود، بلکه اندوخته‌های پیشین را نیز بر باد خواهد داد.

با توجه به آنچه آمد، می‌توان دریافت که احکام منبعث از قواعد فقهی به طرق گوناگون می‌توانند علاوه بر هدایت انسان به سوی کمال و مقام والای انسانیّت، نقش برجسته‌ای درتقویت سرمایه اجتماعی ایفا نمایند؛ چرا که وقتی به‌طور خاص یکایک احکام فقهی از منظر فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرند، هریک بنا بر ویژگی که دارند، به قوام سرمایه اجتماعی در جامعه می‌انجامند. درنتیجه کمتر پدیده‌ای را می‌توان یافت که بتواند در این خصوص جانشین این احکام قرار گیرد. گرچه برخی آموزه‌ها در این چارچوب قرار نمی‌گیرند، ولی وقتی این احکام توسط شارع مقدس مورد تأکید قرار می‌گیرد، رغبت و میل بیشتری در انجام آن‌ها در میان مردم به وجود می‌آید. لیکن به هر میزان افراد یک جامعه به معنای واقعی و به دور از ظاهرنمایی و ریا به اجرای احکام فقهی متعهدتر باشند، به همان نسبت سرمایه اجتماعی آنان نیز تقویت خواهد شد.

در این مقاله ضمن بررسی مفاهیم سرمایه اجتماعی و سه قاعده فقهی غرور، تعاون و احسان، تلاش شد تا به این پرسش پرداخته شود که چگونه می‌توان سرمایه اجتماعی را بر مبنای گزاره‌های احکام و قواعد فقهی ارتقا بخشید؟ سپس در چارچوب شیوه اسنادی و با مطالعه متون فقهی و اجتماعی، برخی از ابعاد سرمایه اجتماعی مرتبط با هریک از قواعد فقهی نامبرده مورد مداقه و واکاوی قرار گرفت و نقش هریک از آن‌ها در افزایش یا کاهش سرمایه اجتماعی بررسی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

گردید. با بررسی سه قاعده فقهی، مورد مطالعه و ارتباط هریک از آن‌ها با سرمایه اجتماعی می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

از آنجا که اعتماد، یکی از شاخصه‌های اصلی سرمایه اجتماعی است. این مؤلفه موجب می‌شود روابط میان افراد به اندازه کافی عمیق باشد تا سرمایه اجتماعی مطلوب تولید گردد، لیکن بزرگترین آسیب، آن هنگامی وارد می‌شود که اعتماد از طریق اغوا یا فریب دیگری سلب شود. قاعده غرور نیز به این موضوع تأکید دارد که اگر فردی به هر نحوی از انحاء به واسطه فریبکاری، زیان و ضرری را متوجه فرد دیگری نماید، می‌بایست در راستای ترمیم سرمایه اجتماعی، آن زیان وارده را جبران نماید؛ لذا تلاش در جهت جبران خسارت، می‌تواند منجر به تقویت سرمایه اجتماعی گردد.

شالوده قاعده تعاون نیز بر همکاری متکی است، لیکن همکاری در امور خیر علاوه بر آن که روح مشارکت جمعی را در جامعه تقویت می‌کند ، باعث کاهش بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی نیز می‌شود که حاصل آن ایجاد وفاق، همدلی و تقویت سرمایه اجتماعی بین آحاد شهروندان جامعه است.

قاعده احسان نیز بر این امر استوار است که هرگاه فردی با نیّت خیرخواهانه موجب اضرار به دیگری شود، شخص خیّر (محسن) ضامن شناخته نمی‌شود. این قاعده علاوه بر ترغیب افراد به پیشگام شدن در امور خیر، می‌تواند با تقویت تعهد اجتماعی منجر به انباشت سرمایه اجتماعی شود.

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که وقتی سخن از قواعد فقهی؛ نظیر احسان و نیکوکاری، عدم فریبکاری و یا تعاون و همکاری در امور خیر به میان می‌آید. این امور و سایر قواعد فقهی منبعث از آموزه‌های اسلامی، بعد فرا زمانی و فرامکانی داشته که همواره مورد تأکید بوده و مراعات آن‌ها منجر به قوام و انباشت سرمایه اجتماعی در عرصه‌های مختلف خواهد شد. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت؛ از آنجا که فرامین، توصیه‌ها و ارزش‌های متعالی که در این قواعد فقهی به آن‌ها پرداخته شده، همگی تأکید بر رعایت حقوق مردم، عدالت‌ورزی، همکاری در امور خیر، عدم تعدّی به حقوق دیگران و دیگر توصیه‌های اخلاقی داشته، ،بی‌توجهی و یا عمل به آن‌ها می‌تواند آینده‌ای بدیل و متفاوت را از حیث تقویت و یا تضعیف سرمایه اجتماعی رقم بزند. عمل کردن به فرامین و ارزش‌های متعالی، مطابق با این قواعد فقهی موجب افزایش سرمایه اجتماعی شده و درمقابل، بی‌توجهی و عمل نکردن به آن‌ها بسترساز افول سرمایه اجتماعی خواهد بود.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

کتابنامه

قرآن مجید

نهج البلاغه

انصاری، شیخ مرتضی، (۱۳۷۵ه.ق)، **المکاسب**، مطبعه الاطلاعات، تبریز.

بجنوردی، میرزاحسن، (۱۳۸۹ ه.ق)، **القواعد الفقهیه**، مطبعه الاداب، دوره هفت جلدی.

پاتنام، رابرت، (۱۳۸۰)، **دموکراسی و نهادهای مدنی**، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، چاپ اول.

تاجبخش، کیان، (۱۳۸۴)، **سرمایه اجتماعی، اعتماد دموکراسی و توسعه**، شیرازه، تهران.

تنهایی، حسین، (۱۳۸۲)، **جامعه‌شناسی نظری**، انتشارات بهمن برنا، مشهد.

تونیکس، فران، (۱۳۸۷)، **اعتماد و سرمایه اجتماعی**، پژوهشکده مطالعات فرهنگ و اجتماعی، تهران.

حرّ العاملی، محمد بن الحسن، (۱۳۹۸ ه.ق)، **وسائل الشیعه**، مکتبه الاسلامیه، تهران.

حلی، حسن بن یوسف بن علی، (۱۳۷۲)، **تبصره المتعلمین**، مترجم و شارح: علّامه حاج شیخ ابوالحسن شعرانی، چاپ سوم، چاپ افست اسلامیه.

ردادی، محسن، (۱۳۹۲)، **نظریه اعتماد سیاسی**، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.

صادقی فسایی، سهیلا و عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۴)، مبانی روش‌شناسی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی، **فصلنامه فرهنگ**، شماره ۲۹.

طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، **المیزان فی تفسیر القران**، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم.

عاملی، زین‌الدین بن علی، شهید ثانی، (۱۴۱۵ه.ق)، **المعالم الدین و ملاذالمجتهدین**، مؤسسه نشر اسلامی، قم.

فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۷۹)، **پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن**، ترجمه غلامعباس توسلی، انتشارات جامعه ایرانیان ، تهران.

فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، (۱۴۰۱ه.ق)، **المفاتیح الشرایع مجمع الذخایر الاسلامیه**، چاپخانه خیام، قم

کلمن، جیمز، (۱۳۷۷)، **بنیادهای نظریه اجتماعی**، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران.

کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۲۱ه.ق)، **الکافی**، علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، دارالکتب الإسلامیه، تهران.

مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ه.ق)، **بحارالانوار**، دار إحیاء التراث العربی، بیروت.

محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن الحسن، (۱۳۷۳)، **شرایع‌الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، انتشارات استقلال، تهران.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۶۳)، **قواعد فقه بخش مدنی**، نشر از علوم اسلامی، چاپ اول.
محمدی، ابوالحسن، (۱۳۹۰)، **قواعد فقه**، نشر میزان، تهران: چاپ دوازدهم.
مراغه‌ای، میرفتاح، (۱۴۱۸ه.ق) **عناوین**، (عبدالفتاح الحسینی المراغی) مؤسسه نشر اسلامی، دوره دو جلدی، بی‌جا.
مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۴)، **فلسفه اخلاق**، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم: چاپ سوم.
مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، **آشنایی با علوم اسلامی**، جلد دوم، انتشارات صدرا، چاپ سیزدهم.
مطهری مرتضی، (۱۳۷۷)، **حماسه حسینی**، تهران: صدرا.
مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۲)، **القواعد الفقهیه**، جلد اول، قم.، (۱۳۷۱)، **تفسیر نمونه**، دارالکتب‌الاسلامیه، تهران.

References

Holy Quran(in Persian)
Nahjolbalaghah(in Persian)
Ansari, Sheikh Morteza, (1996), Al-Makasib, Information Press, Tabriz. (in Persian)
Bojnord, Mirza Hassan, (2010), Rules of Jurisprudence, Printing House, seven-volume period. (in Persian)
Putnam, Robert, (2001), Democracy and Civic Institutions, translated by Mohammad Taghi Delfruz, Tehran, first edition(in Persian)
Tajbakhsh, Kian, (2005), Social Capital, Trust in Democracy and Development, Shirazeh, Tehran.(in Persian)
Tanhayi, Hossein, (2003), Theoretical Sociology, Bahman Borna Publications, Mashhad.(in Persian)
Tunics, Fran, (2008), Trust and Social Capital, Research Institute for Cultural and Social Studies, Tehran.(in Persian)
Hurr Al-Amili, Muhammad Bin Al-Hassan, (2019), Media of the Shiites, Islamic Library, Tehran. (in Persian)
Hali, Hassan Ibn Yusuf Ibn Ali, (1993), Commentary of the Learned, translator and commentator: Allama Haj Sheikh Abolhassan Sha'rani, third edition, Islamic offset printing. (in Persian)
Radadi, Mohsen, (2013), Theory of Political Trust, Imam Sadegh (AS) University, Tehran. (in Persian)
Sadeghi Fasaei, Soheila and Erfanomanesh, Iman (2015), Fundamentals of Documentary Research Methodology in Social Sciences, Culture Quarterly, No. 29. (in Persian)
Tabatabai, Mohammad Hussein, (1995), Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, translated by Mohammad Baqir Mousavi Hamedani, Islamic Publications Office, Qom. (in Persian)
Ameli, Zayn al-Din ibn Ali, Shahid Thani, (1415), Al-Ma'alim al-Din and Mulla al-Mujtahidin, Islamic Publishing Institute, Qom. (in Persian)

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

Fukuyama, Francis, (2000), The End of Order, Social Capital and its Preservation, translated by Gholamabbas Tavassoli, Iranian Society Publications, Tehran. (in Persian)

Faiz Kashani, Mohammad Ibn Morteza, (1981), Al-Mafatih Al-Sharia, Islamic Density Collection, Khayyam Printing House, qom. (in Persian)

Coleman, James, (1998), Foundations of Social Theory, translated by Manouchehr Sabouri, Ney Publishing, Tehran. (in Persian)

Kolini, Mohammad Ibn Yaqub, (2000), Al-Kafi, Ali Akbar Ghaffari and Mohammad Akhundi, Islamic Library, Tehran. (in Persian)

Majlisi, Mohammad Baqir, (1983), Baharalanvar, Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi, Beirut. (in Persian)

Mohaghegh Damad, Seyed Mostafa, (1984), Rules of Civil Jurisprudence, Publication of Islamic Sciences, First Edition. (in Persian)

Maragheh, Mirfatah, (1998) Titles, (Abdul Fattah Al-Husseini Al-Maraghi) Islamic Publishing Institute, two-volume period. (in Persian)

Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi, (2015), Philosophy of Ethics, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom: Third Edition. (in Persian)

Motahari, Morteza, (1994), Introduction to Islamic Sciences, Volume 2, Sadra Publications, 13th Edition. (in Persian)

Motahari Morteza, (1998), Hosseini Epic, Tehran: Sadra. (in Persian)

Makarem Shirazi, Nasser, (2003), Rules of Jurisprudence, Volume One, Qom, (1992), Sample Interpretation, Islamic Library, Tehran. (in Persian)

Archive of SID.ir